

مبانی  
زندگی  
مسیحی

سخنی  
با ایمانداران  
جوان

نوشته  
آر. کی. کمبل



# مبانی زندگی مسیحی سخنی با ایمانداران جوان

نوشته: آر. کی. کمبل

## فهرست

- ۵ ..... مسیحی کیست؟ و چگونه می توان مسیحی شد؟
- ۱۰ ..... تغذیه و توسعه حیات جدید
- ۱۶ ..... طبیعت کهنه و غلبه بر آن
- ۲۵ ..... دنیا و جدایی از آن
- ۲۸ ..... عبادت در روح و راستی
- ۳۱ ..... ثمر آوردن
- ۳۹ ..... خدمت برای خدا
- ۴۴ ..... در جستجوی امید متبارک



## فصل اول

مسیحی کیست؟ و چگونه می توان مسیحی شد؟

مسیحی کیست؟

کسی که به مسیح تعلق دارد

واژه مسیحی برای اولین بار در اعمال ۱۱: ۲۶ مطرح شده است: «شاگردان اولین بار در انطاکیه به مسیحی مسمی شدند». مردم دنیا این نام را به کسانی اطلاق می کردند که اذعان داشتند عیسی مسیح خداوند و نجات دهنده آنان است و او را متابعت می نمودند. مشخصه آنان عیسی مصلوب شده و طرد شده بود. مسیحی کسی است که به مسیح تعلق دارد. اول قرنیتیان ۱۵: ۲۳: «آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می باشند». و یوحنا ۱۳: ۱، ایمانداران را به عنوان «خاصان خود» معرفی می کند؛ خاصان خود را که در این جهان محبت مینمود آنها را تا به آخر محبت نمود. چه افتخار بزرگ و شگرفی است که به پسر انسان و به فرزند خداوند متعال، پر جلال و ابدی تعلق داشته باشیم!

اگر واژه مسیحی (christian) را تجزیه نموده و بشکافیم میتوانیم به این جمله برسیم (CHRIST-Is-All-Now) که معنی اش این است: حالا مسیح همه چیز من است. کسی که مسیح را به عنوان همه چیز می پذیرد؛ به معنی تمام کلمه شخصی مسیحی است.

کسی که تولد تازه می یابد

شخص مسیحی کسی است که بوسیله روح القدس از نو متولد می شود. یوحنا ۳: ۳-۵: «آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمی تواند دید... اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود». این

تولد روحانی است که به موجب آن، شخص با کار روح القدس در خانواده الهی متولد می‌گردد. «تولد تازه یافته آید نه از تخم فانی بلکه از غیر فانی یعنی به کلام خدا» (اول پطرس ۱: ۲۳).

بنابراین کسی که از خدا مولود شود؛ طبیعت تازه ای را دریافت نموده است، طبیعتی که خدا را دوست دارد و از گناه متنفر است. «انسانیت تازه را که بصورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است» (افسیسیان ۴: ۲۴).

### شخص متبدل شده

خداوند می‌گوید: «هر آینه به شما می‌گویم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید، هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد». (متی: ۱۸: ۳) متبدل شدن به مفهوم تغییر یافتن است. کسی که بوسیله روح خدا از سر نو مولود شده است، نوعی تغییر و تبدیل را در رفتار خود تجربه می‌کند. چنین شخصی حقیقت دوم قرنیتان ۵: ۱۷ را ثابت می‌کند: «پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است».

### فرزند خدا

شخص مسیحی با ایمان به مسیح و تولد تازه فرزند خدا محسوب می‌شود. «زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید» (غلاطیان ۳: ۲۶). او خدا را چون پدر خود می‌شناسد؛ و به همین دلیل است که یوحنا رسول چنین می‌نویسد: «ای پدران، به شما می‌نویسم زیرا او را که از ابتدا است می‌شناسید. ای جوانان، به شما می‌نویسم از آنجا که بر شریر غالب شده آید. ای بچه‌ها به شما نوشتم زیرا که پدر را می‌شناسید» (اول یوحنا ۲: ۱۳). که در حقیقت امتیاز و مزیت بزرگی است.

مسیحی کیست؟ و چگونه می توان مسیحی شد؟

### سکونت و هدایت روح القدس

علاوه بر تولد تازه و صاحب طبیعت تازه شدن، روح قدوس خدا نیز که آرامی بخش و تعلیم دهنده ای الهی است در فرد مسیحی ساکن می شود. «یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد و اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود» (یوحنا ۱۴: ۱۷). «آیا نمی دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید» (اول قرنتیان ۶: ۱۹). «زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خدایند» (رومیان ۸: ۱۴). «اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل های شما فرستاد که ندا می کند «یا ابا» یعنی «ای پدر»» (غلاطیان ۴: ۶). «روح خدا که در ما ساکن است؛ همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومیان ۸: ۱۴).

### اطمینان از بخشوده شدن گناهان و داشتن حیات ابدی

ایمانداری که تولد تازه یافته است، اطمینان دارد که گناهانش بخشیده شده و صاحب حیات ابدی شده است. «ای فرزندان، به شما می نویسم زیرا که گناهان شما بخاطر اسم او آمرزیده شده است» «و جمیع انبیا بر او شهادت می دهند که هر که به وی ایمان آورد، به اسم او آمرزش گناهان را خواهد یافت» (اول یوحنا ۲: ۱۲؛ اعمال ۱۰: ۴۳).

کلام و روح خدا هر دو، ایمانداران را اطمینان می دهند که: «خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات، در پسر اوست» (اول یوحنا ۵: ۱۰ - ۱۳). بنابراین فرد مسیحی کسی است که از اطمینان مبارک بخشایش گناهان و حیات ابدی برخوردار است. شاید ایمانداری در مسیح وجود داشته باشد که چنین اطمینانی در او اندک باشد و محتاج

یاری و کمک باشد، اما چنین اطمینانی، حق طبیعی و مالکیت حقیقی فرد مسیحی است.

خواننده عزیز، اینها بعضی از خصوصیات مهم فرد مسیحی است. آیا آنها در شما تحقق یافته اند؟ اگر جواب شما در بعضی موارد منفی است، پس نیاز به کمک دارید تا بدانید چگونه می‌توان یک مسیحی واقعی شد.

### چگونه می‌توان مسیحی شد

#### توبه و بازگشت به سوی خداوند

توبه و بازگشت لازمه مسیحی شدن است. خداوند می‌فرماید: «وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید» (مرقس ۱: ۱۵). «و از اورشلیم شروع کرده، موعظه به توبه و آمرزش گناهان در همه امت‌ها به نام او کرده شود» (لوقا ۲۴: ۴۷). پطرس رسول در موعظه‌هایش می‌فرماید: «پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد» (اعمال ۳: ۱۹). پولس رسول نیز در موقعیتهای مختلف اظهار می‌کند که: «و به یهودیان و یونانیان نیز از توبه به سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح شهادت می‌دادم». و «بلکه نخست آنانی را که در دمشق بودند و در اورشلیم و در تمامی مرز و بوم یهودیه و امت‌ها را نیز اعلام می‌نمودم که توبه کنند و به سوی خدا بازگشت نمایند و اعمال لایقه توبه رابه جا آورند». (اعمال ۳: ۱۹؛ ۲۰: ۲۱؛ ۲۶: ۲۰)

توبه تغییر کلی افکار است، بازگشت کامل و تغییر نگرش درونی شخص نسبت به خویشتن، نسبت به گناه، نسبت به خدا و نسبت به انجیل. توبه همچنین به منزله تسلیم اندیشه و ترجیح دادن افکار



مسیحی کیست؟ و چگونه می توان مسیحی شد؟

خداوند بر تفکر شخصی است؛ باید گفت که افکار خدا در کلام او مکشوف می باشد. شاید کسی گمان کند که چون در زندگی همیشه سعی نموده آدم خوبی باشد؛ یا چون عضو کلیسا است و تعמיד گرفته است و اعمال مذهبی را به جا آورده؛ پس حتماً فردی مسیحی است. هیچ کدام از این موارد یا چیزی شبیه به آنها هرگز باعث نخواهد شد شد که فردی مسیحی شده و تولد تازه یابد. باید طرز تفکر ما نسبت به این امور تغییر یابد. هرکس، برای مسیحی شدن، باید چون گناهکاری توبه کار به حضور خدا آید؛ و به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده، ایمان آورد.

### پذیرفتن مسیح به عنوان نجات دهنده شخصی

«و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲). برای مسیحی شدن، فرد باید بوسیله ایمان، مسیح را به عنوان خدا و نجات دهنده شخصی، در قلبش بپذیرد. همچون زکی از درخت پایین بیاید و او را با شادی بپذیرد (لوقا ۱۹: ۶).

### اعتراف به زبان و ایمان به او و اطاعت قلبی از او

«زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده می شود برای عدالت و به زبان اعتراف می شود بجهت نجات» (رومیان ۱۰: ۹-۱۰). به زبان خود اقرار کنید و در قلب خود ایمان داشته باشید «که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد» (رومیان ۴: ۲۵).

### نجات یافته به وسیله ایمان نه اعمال

«زیرا که محض فیض نجات یافته اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند»

(افسیان ۲: ۸-۹). «نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است» (تیتس ۳: ۵).

## فصل دوم تغذیه و توسعه حیات جدید

در فصل گذشته ما به این نتیجه رسیدیم که فرد مسیحی کسی است که تولد تازه یافته و صاحب طبیعت تازه ای شده است، طبیعتی الهی و مقدس از سوی خداوند. این انسانیت تازه ای است که مسیحیت معتقد است انسان آن را بر تن کرده است (کولسیان ۳: ۱۰). اگر شخص مسیحی می‌خواهد رشد نموده، قوی شود؛ این طبیعت تازه باید تغذیه شده و توسعه یابد. پطرس رسول ما را به این رشد و نمو، تشویق می‌نماید: «چون اطفال نوزاده، مشتاق شیر روحانی و بی غش باشید تا از آن برای نجات نمو کنید» (اول پطرس ۲: ۲)، همچنین می‌فرماید: «بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح ترقی کنید» (دوم پطرس ۳: ۱۸).

## غذا

عبارت «شیر بی غش روحانی» را ملاحظه کنید که به منزله غذایی است که باعث رشد بچه می‌شود. کلام خدا تنها غذا برای طبیعت تازه است. عیسی مسیح که موضوع اصلی کلام خدا می‌باشد خود نان حیات برای انسان تازه شده است. عیسی بدیشان گفت: «من نان

حیات هستم. کسی که نزد من آید، هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نگردد... من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند و نانی که من عطا می‌کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می‌بخشم» (یوحنا ۶: ۳۵؛ ۵۱).

بنابراین فرد مسیحی باید در مسیح تغذیه کند که این امر تنها با مطالعه روزانه کلام تحقق می‌یابد و در غیر این صورت او هرگز رشد نکرده و قوت نخواهد یافت. خداوند می‌فرماید: «چنانکه پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده هستم، همچنین کسی که مرا بخورد او نیز به من زنده می‌شود» (یوحنا ۶: ۵۷). مسیح با اتکا و تسلیم روزانه به پدر زندگی نمود، ما نیز باید بطور روزانه با اتکا به مسیح و مطالعه کلام (خوردن غذای روحانی) زندگی کنیم تا رشد روحانی و حیات الهی در ما تداوم داشته باشد. حیات تازه فقط با تغذیه روزانه از کلام و ماندن در مسیح، تحقق می‌یابد.

حیات جدید به شکلی غیر ارادی، به کلام خدا چون غذایی حیاتی، تمایل و اشتیاق دارد. در کل این دنیای فانی به غیر از کلام خدا هیچ چیزی نمی‌تواند حیات تازه را تغذیه نموده و آنرا قوت بخشد. تمام چیزهای دیگر دنیا برای انسان معمولی و طبیعی می‌تواند منشأ تغذیه باشد اما فقط طبیعت گناه آلود ما را تغذیه خواهد کرد.

اگر می‌خواهیم مسیحیان سالم و قوی باشیم باید مانند قوم خدا در خروج باب ۱۶، هر روزه من تازه را جمع‌آوری نموده و آنرا بخوریم. خداوند به قوم خود فرمود که که او آنها را هر روز به وسیله من آسمانی غذا خواهد داد: "و من را به تو خوراند که نه تو آن را می‌دانستی و نه پدرانت می‌دانستند، تا تو را بیاموزاند که

انسان نه به نان تنها زیست می کند بلکه به هر کلمه ای که از دهان خداوند صادر شود، انسان زنده می شود» (تثنیه ۸: ۳).

پس لازم است که این درس را فرا بگیریم: که صرفاً با خوردن غذای مادی نمی توانیم به زندگی خود ادامه بدهیم. بلکه محتاج غذای روحانی برای زندگی روحانی هستیم و باید در کلامی که از طرف خدا در کتاب مقدس مکتوب است تعمق نموده و با آن زندگی نماییم. پس بیایید هر روز، کلام خدا را مطالعه کنیم و آنچرا که می خوانیم کاملاً هضم و درنمائیم.

### نفس کشیدن در هوای دعا

همان طور که کودک تازه متولد شده برای بقای زندگی نیاز به تنفس هوا دارد، کسی که در مسیح نیز متولد می شود برای حفظ زندگی روحانی اش محتاج نفس کشیدن در هوای دعا می باشد. دعا کردن، تنفس زندگی روحانی و حاکی از وجود زندگی الهی است. دعا نشان دهنده تعلق به خداوند است که این تمایل به متعلق بودن به خدا، غریزه طبیعی و ذاتی سرشت الهی شخص مسیحی است. همچنین دعا کردن جریانی طبیعی است و بیان کننده طبیعت جدید ما می باشد که برای رشد و تکامل آن ضروری است.

دعا کردن، شخص را به حضور خداوند برده و کمک میکند تا رابطه اش با خدا نزدیکتر و صمیمانه تر باشد. زندگی روحانی نمی تواند بدون رابطه با خدا ممکن باشد و بدون آن احیا نخواهد شد. اما آنانی که منتظر خداوند می باشند قوت تازه خواهند یافت (اشعیا ۴۰: ۳۱).

وقتی که کتاب مقدس می خوانیم، خدا با ما صحبت می کند و در زمان دعا، ما با خداوند حرف می زنیم. این هر دو رابطه، برای رشد و تکامل طبیعت تازه ضروری می باشند.

نویسنده مزامیر می گوید: «شامگاهان و صبح و ظهر و شکایت و ناله می کنم و او آواز مرا خواهد شنید» (مزامیر ۱۷:۵۵). دانیال «هر روز سه مرتبه زانو می زد و دعا می نمود و چنانکه قبل از آن عادت می داشت، نزد خدای خویش دعا می کرد و تسبیح می خواند» (دانیال ۱۱:۶). بعنوان یک مسیحی خوب ما نیز باید چنین کنیم. روز خود را بدون خواندن کتاب مقدس و دعا شروع نمایید. چنانکه از این مورد چشم پوشی کنید، به زودی مسیحی شکسته و رنجوری خواهید شد. شخص ایماندار سفارش شده است که در کنار وقت‌های معمولی دعای هر روز، «در دعا مواظب باشد» و «همیشه دعا کند» (رومیان ۱۲: ۱۲؛ اول تسالونیک‌کی ۱۷:۵).

در مطلب قبلی بیان کردیم که روح مقدس خداوند در شخص مسیحی ساکن است؛ او نیرویی برای زندگی مسیحی و تقویت طبیعت تازه آن می باشد. «در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زور آور شوید» (افسیسیان ۱۶:۳). این شخصیت الهی که در ایماندار ساکن است، خواستها و استعداد‌های طبیعت تازه را به عمل می آورد. او ما را هدایت کرده همه امور را مدیریت می کند، اگر کنترل زندگی خود را به او بسپاریم و تسلیم هدایت او شویم. چنانکه سفارش شده ایم که «به روح رفتار کنید» و «از روح هدایت شوید» (غلاطیان ۵: ۱۶، ۱۸). به این معنی که قلب خود را تسلیم نموده و از اشاره های روح القدس در درونمان و از کلام خداوند اطاعت نماییم. این امر لازمه حیاتی زندگی مسیحی می باشد. در غیر این صورت این زندگی با شکست و ناکامی همراه خواهد بود.

روح القدس، ایماندار را به انجام خواهشها و اعمال طبیعت تازه تشویق می کند. کار خاص او هدایت ما به جمیع راستی می باشد؛ او از آنچه از آن مسیح است یعنی نان حیات و کلام زنده می گیرد و آنها را به ما نشان می دهد (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵). او همچنین ما را در دعا کردن تعلیم

می دهد، «با دعا و التماس تمام در هر وقت و در روح دعا کنید» و «در روح القدس عبادت نمایید» (افسیسیان ۶: ۱۸ یهودا ۲۰). ما اگر مایلیم که طبیعت تازه ما تغذیه نموده و رشد کند باید در روح قدم برداریم.

چنانچه ایمانداری از روح القدس و کلام خداوند بی اطاعتی کند، روح القدس محزون شده و خاموش می شود؛ او دیگر آزاد نیست تا شخص را به خواسته های طبیعت تازه هدایت نماید (افسیسیان ۴: ۳۰). او فقط می تواند گناه شخص را محکوم کند و او را به پشیمانی، بازگشت و توبه از گناه هدایت نماید. قدم برداشتن در نیروی روح محزون نشده نیز از الزامات حیاتی زندگی مسیحی میباشد.

### مشارکت با مسیحیان

«لکن اگر در نور سلوک می نمایم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم» (اول یوحنا ۱: ۷). مشارکت و مصاحبت با دیگر مسیحیان نیز برای تغذیه و رشد زندگی الهی، حیاتی می باشد. خواست طبیعت تازه شخص، مشارکت و مصاحبت با خدا و ایمانداران همتایش می باشد. معاشرت با ایمانداران، طبیعت تازه را به ظهور می رساند و خواهش های الهی را تقویت می بخشد. دو از یک بهترند... زیرا اگر بیفتند، یکی از آنها رفیق خود را خواهد برخیزانید (جامعه ۴: ۹-۱۰). وقتی ایمانداری ضعیف و شکست خورده است، مصاحبت با ایمانداران او را بالا کشیده و تقویت می بخشد. «آهن، آهن را تیز می کند، همچنین مرد روی دوست خود را تیز می سازد» (امثال ۲۷: ۱۷). این مورد، به خصوص درباره مشارکت مسیحی حقیقت دارد.

در عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵ به ما گفته شده است که: «ملاحظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم. و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم». «ما در ارتباط با دیگر مسیحیان، همدیگر را به

محبت و کارهای نیکو ترغیب می‌کنیم و با حضور در جلسات مسیحی، روح ما تغذیه شده و ایمانمان بنا می‌شود. زمانیکه دو یا سه نفر به اسم عیسی مسیح خداوند جمع شوند، او آنجا در میان ایشان حاضر است» (متی ۱۸: ۲۰). برکت خاص دیگری که بدان وسیله حاصل می‌شود، تقویت و تکامل طبیعت تازه می‌باشد. بنابراین مشارکت در نور با دیگر مسیحیان نیز لازمه حیاتی زندگی مسیحی است.

### تمرین طبیعت تازه

تمرین و فعالیت در زندگی روحانی نیز همچون زندگی جسمانی باعث رشد و تکامل می‌گردد. اعضای بدن با تمرین و به کارگیری بیشتر، رشد کرده و قوی تر می‌شوند. در زندگی روحانی نیز چنین است؛ وقتی که ما امیال و عملکردهای طبیعت تازه را تمرین می‌کنیم، رشد و تکامل یافته، در خداوند استوار تر می‌شویم.

به تیموتاوس جوان گفته شد: «لیکن از افسانه های حرام عجوزها احتراز نما که فقط طبیعت کهنه گناه آلود را تغذیه می‌کند و در دینداری ریاضت بکش» (اول تیموتاوس ۷: ۴). شخص مسیحی، روزانه نیازمند است که تمرینهایی روحانی داشته باشد تا در سلامت روح باقی بماند. او باید اعضای خود را در دینداری پرورش دهد. چشمها، گوشها، ذهن، زبان، قلب، دستها و پاها باید در راه دینداری هدایت شوند و در این مورد روزانه تمرین کنند.

شخص مسیحی باید هر روز، دیدن، شنیدن، فکر کردن، حرف زدن، احساس نمودن و کار کردن برای خدا را تمرین نماید. تمرین ها هر چه بیشتر انجام شوند فعالیتهای شخص، طبیعی تر شده و به مرور طبیعت تازه، قوی تر خواهد شد. چشم و گوش ما باید گوش به زنگ فرصتهایی برای خدمت کردن به او باشند، فرصتهایی برای شهادت دادن برای او. قلب ما باید در دلسوزی برای جانهای گمشده و دور

از خدا و اشتیاق در خدمت نمودن به او و بشریت پرورش یابد. ذهن و زبان ما نیازمند تمرین سخن گفتن برای خداوند بوده و دستها و پاییهای ما نیز محتاج بار آوری در اعمالی از روی محبت برای عیسی می‌باشند. به این ترتیب، طبیعت تازه با تمرینهای روحانی، توسعه و تکامل می‌یابد.

### فصل سوم طبیعت کهنه و غلبه بر آن

همراه با شادی و لذت طبیعت تازه و تمایل به خدا، مسیحی نو ایمان به زودی با ظاهر شدن گناهی که هنوز در قلب او وجود دارد، آشفته می‌شود. علی‌رغم محبت خدا و میل به خشنود کردن او، جوان نو ایمان در می‌یابد که در قلب و ذهن او همچنان میل به بدی وجود دارد. این مسأله، ناامید کننده و در عین حال حقیقتی است که هر مسیحی باید با آن رو برو شود. به راستی حقیقت دارد که حتی بعد از تولد دوباره از روح خداوند، هنوز هم در شخص مسیحی طبیعت کهنه باقی مانده است.

### تجربه رومیان ۷

با خواندن باب ۷ رومیان در می‌یابیم که تجربه کشف بدی درون ما شبیه چیزی است که در این باب توضیح داده شده است. بخشی که مربوط به تجاربی شخصی از آن شریعتی است که جسم انسان تحت سلطه آن قرار دارد، لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم



نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است. زیرا برحسب انسانیت باطنی به شریعت خدا خشنودم. لکن شریعتی دیگر در اعضای خود می بینم که با شریعت ذهن من منازعه می کند و مرا اسیر می سازد به آن شریعت گناه که در اعضای من است (رومیان ۷: ۲۱ - ۲۳). بنابراین شخصی که تولد تازه یافته است در می یابد که دو طبیعت دارد؛ طبیعت تازه ای که انسانی روحانی است و طبیعت کهنه گناه آلود. یکی، انسانی است و ناپاک، و دیگری از جانب خدا و مقدس و عاری از گناه می باشد.

نکته دیگری که می آموزیم این است، وقتی کسی کاری را بجا می آورد که از آن نفرت دارد به این معنی است که «الحال من (یعنی شخص نجات یافته) دیگر فاعل آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است» (رومیان ۷: ۱۷). طبیعت کهنه ای که هنوز در ایماندار ساکن است منبع همه افکار، احساسات، شهوات و اعمالی است که طبیعت تازه از آنها متنفر است.

به علاوه، ایماندار بعد از نجات تجربه می کند که طبیعت کهنه او بهتر از قبل نجاتش نمی باشد و قادر به بهبودی و تغییر نیست. «از آنرو که تفکر جسم دشمنی خدا است، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی کند، زیرا نمی تواند هم بکند» (رومیان ۷: ۸). ما باید درس رومیان ۷: ۱۸ را فراگیریم «زیرا می دانم که در من یعنی در جسمم هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی. این درس بسیار سخت است اما اگر کسی می خواهد که در مورد طبیعت کهنه و غلبه بر آن آرامشی ثابت داشته باشد، باید آن را فرا بگیرد».

### مصلوب شدن با مسیح

در رومیان ۶: ۶ می خوانیم: «زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم». اینجا نکته ای حیاتی وجود دارد که خداوند می خواهد آن

را بدانیم. «انسانیت کهنه ما با مسیح مصلوب شد». عبارت «انسانیت کهنه» سه بار در کتاب مقدس یافت می‌شود که بیان‌کننده این حقیقت است که ایماندار در گذشته گناهکار بوده است. «انسانیت کهنه که از شهوات فریبده فاسد می‌گردد» (افسیان ۴: ۲۲). این مطلب در مرگ مسیح بر روی صلیب دیده شده و داوری شد. عیسی نجات را تماماً برای ایماندار مهیا نمود تا ایماندار با ایمان به او هویت خود را تعریف کند و مرگ او را به جای مرگ خود به عنوان گناهکاری در مقابل خدا ببیند. اکنون ما نیز قادریم همراه با پولس رسول بیان کنیم: «با مسیح مصلوب شده ام» (غلاطیان ۲: ۲۰). با ایمان می‌توانیم صلیب عیسی را به یاد آورده و بگوییم: «انسانیت کهنه ما با عیسی مصلوب شده است».

این موضوع به ما آرامش قلبی و احساس قدرتی در مقابل گناه می‌دهد. «چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید، و تازه را پوشیده اید که به صورت خالق خویش تا به معرفت کامل، تازه می‌شود» (کولسیان ۳: ۹-۱۰). این امر حقیقتی است که برای مسیحیان کسب شده است و اگر ما با ایمان آنرا درک کنیم، نتیجه عملی آن چنین خواهد بود که «جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم» (رومیان ۶: ۶). غلبه بر گناه با ایمان بر این حقیقت ممکن است که انسانیت کهنه مرده است و انسان تازه ای در برابر خداوند حضور دارد. چرا که خداوند می‌فرماید: «زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است» (کولسیان ۳: ۳). مسیحیان نیز خود را مرده می‌انگارند و عملاً هر آنچه با مرگ مسیح متناقض است، مقتول می‌سازند (کولسیان ۳: ۵).

«خدا پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد» (رومیان ۸: ۳). خداوند گناه و طبیعت گناه آلود ما را در شخص عیسی مسیح که به جای ما بر صلیب رفت، محکوم

کرده و آن را یک بار و برای همیشه داوری نمود. او نه تنها به خاطر گناهان ما بلکه به خاطر ریشه اصلی شرارت ما، گناهی که از بدو تولد در جسم ماست جان خود را داد «تا به قربانی خود، گناه را محو سازد» (عبرانیان ۹: ۲۶).

محکومیت گناه در جسم با داوری قاطع خداوند و بواسطه قربانی عیسی مسیح از میان برداشته شد. این عمل برای هر کسی که به عامل آن یعنی مسیح ایمان آورد، مؤثر خواهد بود.

با این حال ما سعی نمی‌کنیم که طبیعت کهنه را چنانچه بعضی‌ها تعلیم می‌دهند، بهتر نابود و یا «خاموش» کنیم. ما باید بر روی صلیب مسیح محکومیت و داوری خداوند را در مورد گناه بپذیریم و خوشحال باشیم که از نگاه خداوند، طبیعت کهنه خاموش شده است.

### مقامی جدید

مقام سابق ما به عنوان نسلی گمشده از فرزندان آدم، بر روی صلیب عیسی به پایان رسیده است. ما با عیسی که جانشینمان بر روی صلیب بود، تحت داوری خداوند مردیم و بخشیده شدیم. اکنون به عنوان ایماندارانی هستیم که نجات دهنده‌ای به خاطر ما جان خود را داده است. حال در شراکت با عیسی مسیح قیام کرده و پر جلال، صاحب مقام تازه‌ای در مقابل خداوند شده ایم. خداوند دیگر ما را با طبیعتی گناه آلود در مقابل خود نمی‌بیند. او دیگر ما را نه در ارتباط با زندگی محکوم شده آدم اول، بلکه در زندگی قیام کرده مسیح یعنی آدم ثانی می‌بیند. او به طبیعت گناه آلود ما که بعضی وقتها شخص نوایمان گرفتار آن است و به خاطر آن پریشان می‌شود، نگاه نمی‌کند. خدا ایماندار را در عیسی می‌بیند، «مستفیض شده در حبیب» و «تکمیل شده در او» (افسیسیان ۱: ۶؛ کولسیان ۲: ۱۰). پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند (رومیان ۸: ۱). این است مقام

جدید مسیحیان در مقابل خداوند که دانستن آن مایه تسلی کسی است که به طبیعت گناه آلود و سکونت آن در درون خود پی برده و این موضوع او را عذاب می دهد. فهم این واقعیت که خداوند با طبیعت کهنه ما چه کرده و اکنون به ما چگونه نگاه می کند؛ ما را کمک می کند که عکس العمل مناسبی را نسبت به طبیعت کهنه مان، اتخاذ کنیم و دیگر اجازه ندهیم تا بر ما مسلط شود.

### خود را برای گناه مرده انگارید

با توجه به اینکه خداوند طبیعت کهنه ما را همراه عیسی مرده محسوب می کند، به ما نیز گفته شده است که: «همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده» (رومیان ۶: ۱۱). ما باید همچون خدا بیاندیشیم که همراه مسیح مرده ایم و با او از مرگ برخاسته ایم. بنابراین از برای گناه مرده ایم.

اگر چه هنوز طبیعت کهنه در ما زنده است و صدای خود را به گوش می رساند و به ما می گوید که چطور فکر کنیم و چه کارهایی انجام دهیم که خدا را خوشنود نمی کنند. اما ما باید از گوش دادن و اطاعت از آن خودداری نماییم. ما باید با آن چون شخصی مرده رفتار نماییم؛ کسی که حق زندگی ندارد و نباید به او گوش داد. طبیعت کهنه ما همیشه باید در جایگاه مرگ نگه داشته شود و ما باید همیشه حکم خداوند را درباره مرگ آن به خاطر آوریم. این است روشی که ما عملاً خود را برای گناه مرده و برای خداوند زنده انگاریم.

«پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید» (رومیان ۶: ۱۲). اگر چه گناه هنوز در ما ساکن است اما ما نباید به آن اجازه دهیم که در ما حکمرانی نماید و یا نقشی ایفا کند.

### خود را تسلیم خدا نمایید

«اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند» (رومیان ۶: ۱۳). یکی از تعالیم اصلی کتاب رومیان (باب ششم) این است که اعضای خود را به خدا تسلیم کنید تا آلات عدالت شوند. قبلاً ما پیرو گناه بودیم، اما اکنون به وسیله نجات دهنده مان از اسارت گناه آزاد هستیم. پس باید خود را تسلیم او نماییم و او را خدمت کنیم. ما باید خواست خداوند را از خود بفهمیم و بدانیم که متعلق به او هستیم و باید خدمتش کنیم. پولس رسول به ما می گوید: «آیا نمی دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شماست که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید» (اول قرنتیان ۶: ۱۹ - ۲۰).

در عین حالی که شخصی خود را به خداوند و خدمت نمودن به او می سپارد، سعی می کند از وسوسه خدمت کردن جسم، خلاصی یابد. او قادر نمی باشد که دو کار متفاوت را همزمان به انجام برساند. برای ایماندار بهتر این است که خدمتی برای خداوند انجام داده و قلب خود را مسکن خدا و کارهای او بداند. در این صورت او همه لحظه های خود را چون اسبابی برای عدالت خداوند به کار برده و به خدا تسلیم نموده است و خود را بسیار بالاتر از قدرت طبیعت شیطانی خواهد یافت.

### قدرت روح القدس

قدرتی که طبیعت کهنه را سرکوب می کند و آن را در جایگاه مرگ قرار می دهد، در روح القدس یافت می شود «زیرا اگر برحسب جسم زیست کنید، هر آینه خواهید مرد. لکن اگر افعال بدن را بوسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست» (رومیان ۸: ۱۳).

ما در می‌یابیم که خودمان نمی‌توانیم کمکی به خویشتن نماییم تا طبیعت کهنه درونمان را سرکوب کنیم چرا که قوی تر از طبیعت تازه ما است. اما با کمک روح خداوند که درون ما ساکن است و ما را به قوت زور آور می‌کند (افسیان ۳: ۱۶)، قادر می‌شویم اعمال شرارت بار جسم را سرکوب نموده و تحت کنترل خود درآوریم. و این رمز موفقیت و پیروزی بر طبیعت گناه آلود به وسیله قدرت روح القدس می‌باشد.

«اما می‌گوییم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را بجا نخواهید آورد» (غلاطیان ۵: ۱۶). روح القدس که در ایمانداران سکونت دارد به مانند مرد قوی هیکلی است که در خانه صاحب خانه ای اقامت داشته باشد. این صاحب خانه مستاجر نیز دارد که باید همیشه او را کنترل نمود. مستاجر مذکور آدم بدی است و از صاحب خانه قوی تر می‌باشد و همیشه بر او چیره می‌شود. اما مرد قوی هیکل به صاحب خانه کمک می‌کند تا مستاجر ستیزه جو را سر جای خود بنشانند و او را مقید کند. مستاجر بد می‌تواند مصداق طبیعت کهنه ما باشد. اگر ما اجازه بدهیم روح القدس زندگی ما را کنترل کند، او طبیعت کهنه را مقید نموده و ما را پیروز خواهد نمود، تا قادر باشیم اعمال جسم را پیروی نکرده بلکه طبیعت تازه را پیروی نماییم.

### به عمل آوردن خود داوری و اعتراف

اگر کسی به خواسته های جسم گوش فرا داده و خود را به امیال جسم تسلیم نماید. روح القدس در او محزون، رابطه او با خدا مختل و شخص احساس بدبختی می‌نماید. در اینصورت روح خدا در ما آزادی عمل نداشته و نمی‌تواند اعمال جسم را در ما بکشد. چرا که محزون شده و ما او را ناتوان نموده و به جسم خود فرصت داده ایم تا بار دیگر خود نمائی کند. تنها راه احیا شدن، خود داوری است یعنی اینکه نزد خداوند به اشتباهات و گناهان خود اعتراف نماییم.

«اما اگر بر خود حکم می کردیم، حکم بر ما نمی شد» (اول قرنیتان ۱۱: ۳۱). «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد» (اول یوحنا ۱: ۹). خود داوری و اعتراف باید بشکلی روزانه در زندگی ما تحقق یابد چرا که همیشه عاملی گناه آلود در زندگی و قلب ما یافت می شود که باید در پیشگاه الهی اعتراف کرده شود. وقتی خود داوری می نماییم، با او راجع به حقیقت خود و آنچه که موجب ناخشنودی او می شود؛ هم نظر شده و از وعده پاک شدن تمام ناپاکی ها و بی عدالتی ها بوسیله او برخوردار می شویم. اگر ما خود را داوری نکنیم خداوند ما را داوری خواهد نمود. « لکن هنگامی که بر ما حکم می شود، از خداوند تأدیب می شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود» (اول قرنیتان ۱۱: ۳۲).

### معتقد بودن به وجدان پاک

در ارتباط با موضوع خود داوری و در زندگی مسیحی، مورد دیگری وجود دارد که از اهمیت بسیار برخوردار است و آن موضوع وجدان پاک و بی ملامت است. پولس رسول می فرماید: «و خود را در این امر ریاضت می دهم تا پیوسته ضمیر خود را به سوی خدا و مردم بی لغزش نگاه دارم» (اعمال ۲۴: ۱۶). تنها راهی که بوسیله آن می توانیم؛ در مقابل خدا و مردم وجدان آسوده ای داشته باشیم این است که در راستی قدم برداریم. و اگر در این راه دچار اشتباه و لغزش شدیم؛ باید در حضور خدا و خلق خدا، خود را داوری نموده به گناه خود اعتراف کنیم. «و ایمان و ضمیر صالح را نگاه داری که بعضی این را از خود دور انداخته، مر ایمان را شکسته کشتی شدند» (اول تیمو تائوس ۱: ۱۹). اگر ایماننداری در رسیدن به وجدان بی ملامت و پاک، غافل شود؛ در ایمان کشتی شکسته شده؛ زندگی روحانی و شهادتش مورد تخریب قرار می گیرد.

«یعنی در هر چه دل ما، ما را مذمت می کند، زیرا خدا از دل ما بزرگتر است و هر چیز را می داند. ای حبیبان، هرگاه دل ما ما را مذمت نکند، در حضور خدا اعتماد داریم، و هر چه سؤال کنیم، از او می یابیم، از آنجهت که احکام او را نگاه می داریم و به آنچه پسندیده اوست، عمل می نماییم. و این است حکم او که به اسم پسر او عیسی مسیح ایمان آوریم و یکدیگر را محبت نماییم، چنانکه به ما امر فرمود» (اول یوحنا ۳: ۲۰ - ۲۲). چنین شادمانی در اثر وجدان صالح در برابر خداوند است. و بر عکس آن نیز صحت دارد. اگر وجدان شخص ایمانداری او را ملزم می نماید؛ باید خود را تفتیش نماید تا عامل گناه آلود را در حضور خدا اعتراف کند و از وجدانی آسوده و صالح در برابر خدا و مردم برخوردار شود.

### طبیعت کهنه خود را تغذیه ندهید

در پایان این مبحث، باید به خوانندگان خود یادآوری نمایم که اگر طبیعت کهنه ما بر صلیب عیسی مسیح مصلوب شده است و مرده انگاشته شده؛ طبعاً آنچه بعد از آن حاصل می شود این است که نباید آنرا تغذیه کنیم. بلکه باید آنرا محدود نمایم. رومیان ۱۳: ۱۴ می گوید: «بلکه عیسی مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید». اگر به تمایلات طبیعت کهنه خود توجه کنیم و شرایط تغذیه آنرا فراهم آوریم؛ زمینه برآورده شدن خواهشهای جسم را پدید آورده ایم. و طبیعت کهنه ما از آنجایی که قوی و قدرتمند می شود بر ما مسلط می گردد.

در بحث گذشته آموختیم که باید طبیعت تازه خود را تغذیه دهیم تا رشد کرده، توسعه یافته و قوی تر شود. با انجام این کار طبیعت کهنه را مقید نموده ایم؛ چرا که هر دو طبیعت غذا های متفاوتی را طلب می کنند. مثالی که در اینجا می توانیم مطرح کنیم این است: که تصور کنید سگ و عقابی را بهم زنجیر نموده اید. اگر سگ را فقط



غذا بدهید در جنگ و جدال با عقاب، قطعاً پیروز خواهد شد. و اگر عقاب را غذا دهیم او بر سگ چیره خواهد شد. حال بر ما است که چون مثال فوق، طبیعت کهنه را بیشتر غذا دهیم یا طبیعت تازه را.

### خلاصه

در ارتباط با موضوعات بحث شده پیرامون «پیروزی بر طبیعت کهنه» ما به ملزوماتی مهم و کتاب مقدسی اعتقاد داریم که باعث پدید آمدن زندگی روحانی پیروزمند و شاد می‌شود. زندگی واقعی و شادمانه مسیحی تنها وقتی محقق می‌شود که اطمینان داشته باشیم طبیعت کهنه ما بر صلیب مسیح مصلوب شده است. و ذات گناه آلود آن بر صلیب محکومیت خداوند قرار گرفته است. و خود را نسبت به گناه مرده انگاشته و با قدرت خداوند و حضور روح القدس در راه خداوند قدم بر داریم. طبق تعلیم درونی روح، هر ایمانداري موقعیت حقیقی خود را در خداوند درک می‌کند و می‌داند که توسط خدا مورد پذیرش قرار گرفته است. و با قدم زدن در راههای خداوند همیشه حاضر است خود را داوری نموده و گناه و اشتباهات خود را در حضور او اعتراف نماید.

### فصل چهارم

### دنیا و جدایی از آن

دنیای که ما می‌خواهیم در این درس راجع به آن صحبت کنیم؛ صرفاً این دنیای مادی و خلق شده نیست بلکه منظور ما بیشتر متوجه نظم و سیستمی است که شیطان آنرا بر این دنیای مادی مسلط نموده است.

در زبان یونانی که عهد جدید به آن نوشته شده؛ سه کلمه متفاوت که همگی به مفهوم «دنیا» میباشند وجود دارند.

۱. آیون («aion») که به مفهوم زمان بوده و به دوره های متفاوت زمانی این جهان هستی اشاره دارد.

۲. کاسموس («kosmos») که بیشتر به نظم و شکل و تناسب این دنیا اشاره دارد.

۳. آیکیومن («oikoumene») که بیشتر به مفهوم زمین و محل سکونت گزیدن، می باشد.

در کلام خدا، اکثر آیاتی که راجع به جهان سخن می گویند همگی به سیستمی اشاره دارند که توسط شیطان بنا نهاده شده بر این دنیا (kosmos) مسلط شده است. این آن جهان یا سیستمی است که مسیحیان از دوستی و مشارکت با آن منع شده اند.

### شیطان به عنوان شاهزاده و خداوند

در اول یوحنا ۱۲: ۳۱ و ۱۴: ۳۰، خداوند شیطان را به عنوان «رئیس این جهان» خطاب می کند. و در افسسیان ۲: ۲ به ما گفته شده: «که در آنها قبل، رفتار می کردید برحسب دوره این جهان، بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می کند». دنیائی که پیرامون ما را فرا گرفته است مطابق دستور و فرمان شیطان و نیروهای شرارت تابع او، عمل می کند و از نجات خداوند به دور است.

دوم قرنیتان ۴: ۴، شیطان را «خدای این جهان» خطاب می کند و غلاطیان ۱: ۴ ما را باین عبارات آشنا می کند «عالم شیطان» یا چیزی شبیه به «خدای این زمان». به این دلیل که، او خداوند و فرمانروای

سیستمی است که خود بر این جهان پدید آورده و نقشه های شرارت آمیز خود را در آن به نحو احسن دنبال می کند «و می دانیم که از خدا هستیم و تمام دنیا در شریر خوابیده است» (اول یوحنا ۵: ۱۹).

### خصوصیات سیستم این جهان

در اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ میخوانیم: «دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست. زیرا که آنچه در دنیاست، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است. و دنیا و شهوات آن در گذر است لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند، تا به ابد باقی می ماند».

در اینجا ما با خصوصیات این دنیایی که شیطان بر آن مسلط است؛ به شکلی کاملاً واضح آشنا می شویم. هر چه که در آن وجود دارد بر سه مبنا است؛ شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی. وقتی شیطان می خواست حُوا و عیسی مسیح را مورد آزمایش قرار دهد؛ این سه مورد را در وسوسه خود گنجانده (پیدایش ۳: ۶ و متی ۴: ۱-۱۰). حُوا به وسوسه شیطان پاسخ داد اما مسیح به مکاید شیطان هیچ پاسخی نداد. چرا که در او هیچ طبیعت گناه آلودی نبود. تمام چیزهای که در سیستم این دنیا قرار دارند از خدای پدر نبوده و یگروز از بین خواهند رفت. آنها به طبیعت گناه آلود ما ارتباط دارند بدینجهت ما نیز باید مانند مسیح، خود را نسبت به آنان مرده انگاریم و از دنیای شریرانه و از مکاید آن دور شویم؛ تا از حیات پیروزمند مسیحی برخوردار باشیم.

## فصل پنجم عبادت در روح و راستی

پولس رسول سه ویژگی مسیحیت را در فیلیپیان ۳:۳ مطرح می کند: «زیرا مختونان ما هستیم که خدا را در روح عبادت می کنیم و به مسیح عیسی فخر می کنیم و بر جسم اعتماد نداریم». پرستش خداوند در روح و خوشی در عیسی مسیح، ویژگیهای اصلی و ضروری زندگی مسیحی هستند. سرچشمه این نوع زندگی و خوشی در خداوند و همه برکاتی که در رابطه با مسیح نهفته است؛ خود خداوند است. این موقعیت و برکات نهفته در آن در رومیان ۱:۵-۱۱ توصیف شده و به بالاترین پله نردبان تشبیه شده است؛ «نزد خدا سلامتی داریم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح که به وساطت او دخول نیز یافته ایم». این شادی و شمع در هنگام پرستش و دعا در برابر کسی که سرچشمه تمامی این خوشی ها و برکات است، خود به خود ابراز می شود.

### عبادت چیست؟

عبادت، پاسخ شادمانه قلبی است که مملو از احساس و درک عمیق برکاتی که از جانب خداوند بخشیده شده اند بوده و شامل جلال، ستایش، پرستش و شکرگزاری می شود که فقط سزاوار او است. اینها همه به خاطر وجود خود خدا و برای آنچه که در حق ما انجام داد و می دهد، می باشند. پرستش ها، شکرگزاری ها و اعلام جلال و کارهای خداوند در مقام ستایش او، همه و همه شکل دهنده عبادت خداوند می شوند.

معنی کلمه عبادت در زبان یونانی (pros-kum) که در اکثر متون عهد جدید آن را به کار برده اند، پرستیدن یا احترام گذاشتن می باشد که برای ستایش و تعظیم نمودن به کار می رفته است.

در انجیل یوحنا ۴: ۲۴ گفته شده است: «خدا روح است. و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد». چون خداوند روح است پس تنها پرستش در روح را می پذیرد و باید «در روح و راستی». پرستیده شود. پرستش روحانی خدا با روشهای مذهبی و آیینهای که توسط انسانی که تولد تازه ندارد، متفاوت است. آنها پرستش های نیستند که خداوند می طلبد. پرستش مسیحی ابراز زندگی تازه و درونی در قدرت و قوت روح القدس است و در ستایش و شکرگزاری آشکار می شود. این نوع پرستش با روشهای انسانی، آیینهای اجباری و مراسم خشک و بی روحی که بوسیله اراده و قدرت انسانی مذهبی به انجام می رسد؛ کاملاً متمایز است.

### پدر طالب پرستندگان است

«پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است. خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴: ۲۳). فرزندان خدا او را پدر می دانند و در روح و راستی او را می پرستند. او به عنوان پدری است که در جستجو و تعلیم فرزندان است تا او را بپرستند. خداوند در محبت نجات دهنده خود و به اسم پر رحمتش یعنی «پدر» در جستجوی پرستندگان است و آنها را در موقعیتی نزدیک به خود در آزادی قرار می دهد. این متبارک ترین جایی است که یک مسیحی به آن نائل می شود و حال خداوند در انتظار تسبیحات فرزندان است که با خون خود خریده است. پس بیایید هر روز، پرستشها و شکر گزاریهای خود را آزادانه در حضور او بیاوریم که همه آنها مختص او است و او آن را از فرزندان انتظار دارد.

### روحیه پرستش را تقویت کنیم

سراینده مزامیر به ما می گوید: «خداوند را حمد گفتن نیکو است و به نام تو تسبیح خواندن، ای حضرت اعلی. بامدادان رحمت تو را اعلام

نمودن و در هر شب امانت تو را» (۹۲: ۱-۲). نویسنده عبرانیان می گوید: «پس بوسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم، یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند. لکن از نیکوکاری و خیرات غافل مشوید، زیرا خدا به همین قربانی ها راضی است» (۱۳: ۱۵-۱۶). همچنین پطرس رسول می گوید: «شما نیز مثل سنگهای زنده بنا کرده می شوید به عمارت روحانی و کهنات مقدس تا قربانی های روحانی و مقبول خدا را بواسطه عیسی مسیح بگذرانید» (اول پطرس ۲: ۵).

همه این متن ها درباره روحیه پرستش و ستایش که باید زندگی روزانه فرد مسیحی را شکل دهند صحبت می کنند. پس بیایید روحیه شکرگزاری و پرستش که از طبیعت الهی زندگی مسیحی سر چشمه می گیرد و خصوصیت ضروری این حیات روحانی است را رشد و توسعه دهیم.

### آن ۹ نفر کجا هستند؟

در انجیل لوقا ۱۷: ۱۷-۱۸ میبینیم که مسیح از آن جزامی که به همراه ۹ جزامی دیگر شفا یافته، ولی تنها به حضور مسیح بازگشته بود؛ و نزد پایهایش برای شکرگزاری زانو زده بود، پرسید. «آیا ده نفر ظاهر نشدند، پس آن نه کجا شدند؟ آیا هیچ کس یافت نمی شود که برگشته خدا را تمجید کند جز این غریب؟» این نشان می دهد که خداوند شکرگزاری آن جزامی پاک شده را تحسین نمود و نسبت به آن ۹ فرد دیگر، گله مند بود. باشد که ما مثل آن ۹ نفر نباشیم بلکه از الگوی آن تنها فردی که برای قدر دانی از نجات دهنده اش بازگشته بود؛ تبعیت کنیم.

«این را به یاد من به جا آورید»

در رابطه با موضوع پرستش و شکرگزاری که شایسته و زینده خداوند باشد، او از ما می خواهد که در شام خداوند با خوردن نان و شراب، مرگ و جانفشانی او را به یاد آوریم. «و نان را گرفته، شکر نمود و

پاره کرده، به ایشان داد و گفت: این است جسد من که برای شما داده می‌شود، این را به یاد من به جای آورید. و همچنین بعد از شام پیاله را گرفته و گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می‌شود» (لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰). «زیرا هر گاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که باز آید» (اول قرنتیان ۱۱: ۲۶).

خواست خداوند این است که در مراسم عشاء ربانی شرکت کنیم، او و مرگ فداکارانه اش را به یاد آوریم و پرستشها و شکرگزاری هایمان را به حضور نجات دهنده و سرورمان بیاوریم. این جزو واجبات زندگی مسیحی است و هر شخص مسیحی اگر می‌خواهد نجات دهنده اش را خشنود سازد و در روح به وجد آید، نباید از آن اجتناب کند. آیا شما ای ایماندار عزیز جوان، خداوند را آنطور که خواسته است و به روش خود او، به یاد می‌آورید؟

## فصل ششم ثمر آوردن

در باب ۱۵ انجیل یوحنا مسیح با شاگردان در ارتباط با ثمر آوردن به جهت جلال صحبت می‌کند. و به آنها می‌گوید که او تاک است، پدرش باغبان است و آنها شاخه های او هستند. وی همچنین اظهار می‌دارد: «آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد... جلال پدر من آشکار می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورید و شاگرد

من بشوید» (آیه های ۵، ۸). سپس به آنها گفت: «شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند» (آیه ۱۶).

از سخنان خداوندمان در می یابیم که هدف از دعوت و نجات ما این است که باید برای جلال خداوندمان ثمر بیاوریم. ما برای این منظور انتخاب و سفارش شده ایم. خداوند در فرزندان خود برای میل و خوشنودی خود به دنبال ثمر می باشد و «هر چه میوه آورد آن را پاک می کند تا بیشتر میوه آورد» (آیه ۲). مطمئن باشیم که ثمر آوردن برای خداوند یکی از ضروریات حیاتی زندگی مسیحی می باشد. خداوند، ما را برای این منظور نجات داده است و هر مسیحی باید در رابطه با این مورد مهم و عملی یعنی ثمر آوردن، فعالیت داشته باشد.

### ثمر آوردن چیست؟

ثمر آوردن یکی از جلوه های زندگی روحانی و از خصوصیات آن محسوب می شود. دانه ای که کاشته می شود حامل حیات و خصوصیات منحصر به فرد خود می باشد. آن به مانند گیاهی رشد می کند تا میوه ای را با خصوصیات دانه کشت شده، تولید کند. این تجدید مجدد حیات و طبیعت است که در میوه آشکار می شود. اگر دانه ای از درخت پرتقال کاشته شود، درخت پرتقال دیگری را با همان خصوصیات دانه کاشته شده به وجود می آورد. دانه درخت لیمویی که کاشته شده است، درخت لیموی دیگری را تولید می کند که لیموها را بعنوان میوه و ثمر بر خود دارد.

ثمر آوردن در زندگی مسیحی، تکثیر زندگی و خصوصیات مسیح در نهاد شخص ایماندار است. ثمر آوردن بیشتر دلالت بر ماهیت فرد دارد تا اینکه به اعمال فرد ارتباط داشته باشد؛ ثمر آوردن بیشتر به



شخصیت و شباهت به مسیح دلالت دارد تا اینکه با خدمت نمودن ارتباط داشته باشد.

مسیح به عنوان تاک حقیقی که ایمانداران چون شاخه هایی به او متصل هستند؛ خود را در آنانی که در مشارکت با او ثابت قدم می مانند؛ متجلی می کند. پدر، به عنوان باغبان الهی، به دنبال آن است که زندگی و خصوصیات مسیح را در فرزندان دوباره بوجود آورد و آنها را به ظهور برساند. این همان ثمراتی است که او برای خرسندی و خشنودی خود در ما جستجو می کند. او ما را از قبل تعیین نموده است؛ «تا بصورت پسرش متشکل شوند» (رومیان ۸: ۲۹) و خواهان این است که «صورت مسیح در شما بسته شود» (غلاطیان ۴: ۱۹). پولس رسول تشخیص می دهد که هدف خداوند در تمامی مشکلات زندگی او و ما این است که از میان آنها عبور کنیم «تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود» (دوم قرنتیان ۴: ۱۰). هنگامی مسیح به زندگی ما می نگرد، که ثمری برای او و جلال پدر داشته باشیم.

در غلاطیان ۵: ۲۲ - ۲۳ به ما گفته شده که «ثمره روح: محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزکاری است». تمامی این ۹ مورد بطور کامل در زندگی مسیح، به عنوان ثمر برای جلال خداوند و خشنودی او مشهود هستند. همچنین ساکن شدن روح خداوند میوه های زیبایی از نه ثمر یاد شده را در زندگی هر ایمانداری بوجود می آورد که در مسیح (یعنی همان تاک حقیقی) می مانند. این خصوصیات مسیح ثمراتی بیان نشدنی هستند که «ثمرات روح» قلمداد می شوند. آنها به مانند خوشه ای از میوه انگور همگی در یک شاخه قرار دارند اما هر کدام از آن ۹ دانه طعم خاص خود را دارد که هماهنگی کامل بوسیله روح در شخصیت مسیحی بوجود می آورند و هر قسمتی از آن در رابطه ای آشکار با دیگران

قرار دارد. محبت اولین ثمره ای است که مطرح شده است و در میان سایر ثمرات درخشان تر است؛ و آنها را به همانگونه که بودند با هم مرتبط نگاه می‌دارد.

سه ثمر اول روح (محبت، خوشی، سلامتی) از سوی خدا هستند. می‌توان آنها را به عنوان ثمرات درونی نامید. سه ثمر دیگر (حلم، مهربانی، نیکویی) خصوصیات نسبی هستند و نتایج سه ثمر اول به شمار می‌روند. که قلب را مملو می‌سازند. آنها در برابر برادران، جهان، هر دشمن دیگری آشکار می‌شوند. هر کسی می‌تواند آنها را ببیند و درک کنند. سه ثمر آخر (ایمان، تواضع، پرهیزکاری) ثمراتی شخصی هستند و برای تقویت روح و عبور از میان آزمایشات و مشکلات جهان ضروری می‌باشند.

### آنچه برای ثمر آوردن لازم است

در باب ۱۵ انجیل یوحنا، بطور خاص درباره ثمر آوردن اینگونه بیان شده است که خداوند شرایط ضروری را برای ایجاد ثمره در ما فراهم می‌آورد. در آیه های ۴ و ۵ می‌خوانیم که «در من بمانید و من در شما. همچنانکه شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند، همچنین شما نیز اگر در من نمانید. من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد».

در اینجا می‌آموزیم که ماندن ما در مسیح و او در ما یک ضرورت اولیه برای ثمرآوردن محسوب می‌شود. هر ایماندار حقیقی با مسیح متحد است و بمانند شاخه ای در تاک به او متصل است، زندگی که از تاک (مسیح) سرچشمه می‌گیرد در شاخه (ایماندار) نیز جاری می‌شود بنابراین نیروی بوجود آوردن ثمر برای خداوند در مسیح (تاک) و در ما بعنوان شاخه‌ها قرار دارد. اما ما عملاً برای ماندن

در مسیح مسئول هستیم و این در باب ۱۵ انجیل یوحنا به جهت ثمرآوردن مورد تاکید قرار گرفته است.

ما با نیرو و تلاش خود نمی‌توانیم برای خداوند ثمر بیاوریم. بلکه با ماندن در مسیح و شراکت با او (به عنوان تاک حیات دهنده) می‌توانیم پرثمر شویم؛ ماندن در خداوندی که سر منشأ ثمراتی است که منتهی به جلال او در مسیحیان می‌شود. اگر روح ما در مسیح ساکن شود، مسیح نیز در روح ما ساکن می‌شود و همانگونه که شیره از تاک بداخل شاخه‌ها جریان می‌یابد، با ماندن در مسیح، بطور مداوم قدرت و قوت روحانی را از او دریافت کرده و ثمرات روحانی به عنوان نتایج کار حاصل می‌شوند.

در جهان طبیعی هیچ فعالیتی دیگر بجز کمی صبر و آرامش و برخوردار شدن از آب باران و تابش خورشید و شیره گرفتن از تاک باعث ثمر آوری شاخه نمی‌شود. در حیطه زندگی روحانی نیز، ثمر آوردن برای خداوند، بوسیله مشارکت و ارتباط با او بوجود می‌آید. و این ثمرات نه در اثر تلاشها و زحمات ما بلکه در اثر پر شدن از او است که حاصل می‌شوند و خدا را خشنود می‌سازند.

روحیه اتکا و توکل کامل به خداوند برای ماندن در او و ثمر آوردن، لازم و ضروری است. خداوند به ما یادآوری می‌کند که «جدا از من هیچ نتوانید کرد». این موضوع به این دلیل مطرح شده است تا ما پوچی خود را درک کرده و مسیح را بعنوان منبع و منشأ روح خود قرار دهیم، به او اطمینان نموده و با وابستگی کاملی که خواهان ماندن در او و ثمر آوردن برای او هستیم بر او تکیه کنیم.

نکته دیگر در آیه ۷ ذکر شده است. «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد.» اگر

می خواهیم به جایی برسیم که هر چه بطلبیم مستجاب شود؛ لازم است تا کلام مسیح در ما بماند و افکار و امیال ما را کنترل کند. هنگامیکه صادقانه در او می مانیم و کلمات او در ما می ماند، ذهنمان، خواسته ها و افکارمان همه از کلمات او شکل می گیرند، قلب ما تحت هدایت او قرار گرفته و برای طلب نیازهایمان از خداوند اطمینان قلبی بیشتری در وجودمان پدیدار می شود. بنابراین نیروی ماندن در او و ثمر آوردن را با ماندن کلمات او در ذهن مان، بدست می آوریم.

در آیه ۳ مسیح می گوید: «الحال شما به سبب کلامی که به شما گفته ام پاک هستید». کلام خداوند قدرت پاکسازی و تقدیس روح ما را دارد و شخص مسیحی اگر خواهان ماندن در مسیح و ثمر آوردن است باید بشکلی روزانه به آن رجوع کند. برای ماندن در مشارکت خداوند، باید دائماً عمل پاکسازی کلام خداوند در قلبهای ما، که به سادگی توسط اعمال شریر، آلوده می شوند، صورت گیرد. اگر گناهی در قلبهای ما مانده باشد نمی توانیم در مسیح بمانیم، بنابراین همواره احتیاج به نیروی تقدیس و پاکسازی کلام خداوند بر روح خود جهت جلوگیری از گناه و ناپاکی داریم. «کلام تو را در دل خود مخفی داشتیم که مبادا به تو گناه ورزم» (مزمور ۱۱۹: ۱۱).

در آیه ۱۰ نکته دیگری پدیدار می شود: «اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند، چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم». در اینجا ما تابع احکام خداوند هستیم تا بتوانیم در محبت او بمانیم. ما نباید تنها کلام او را در خود نگاه داریم، بلکه باید همانگونه که مسیح از احکام پدر اطاعت می کرد و در محبت او می ماند، ما نیز در جهت انجام احکام او گام برداریم. روح اطاعت از خواست خداوند همانگونه که در کلام او نشان داده شده است، برای ماندن در مسیح و ثمر آوردن برای خداوند ضروری است.

همه اینها منتهی به نتیجه خوشایندی می‌شوند: برخوردار بودن از خوشی خداوند و ماندگاری و کامل شدن آن در وجودمان همانگونه که در آیه ۱۱ بیان شده است. مسیح شادی کاملی را در پدر داشت. خوشی او در ثمرآوردن برای جلال خداوند بود و اینک او حاضر است که به ما نشان دهد چگونه می‌توان با ثمر آوردن از خوشی و برکات او برخوردار شد.

بطور خلاصه، یاد می‌گیریم که شرایط روحانی به جهت ثمر آوردن با ماندن در مسیح و مشارکت با او، روح اتکا و توکل کامل بر او، ماندن کلام او در ما بعنوان نیروی پاک‌کننده و بوجود آوردنده اطمینان قلبی در دعا و نیز قدم برداشتن در جهت احکام او، فراهم می‌شود. که نتایج آن سهمیم شدن در خوشی او و همچنین استقرار شادی وی در قلب ما می‌شود.

### مراقبت باغبان

نکته مهم دیگر در ارتباط با ثمر آوردن، مراقبت باغبان از شاخه‌ها و پاکسازی آنها است تا ثمرات بیشتری را برای جلال او ببار آورند. خداوند می‌گوید که: «پدر باغبان است. هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را دور می‌سازد و هرچه میوه آرد آن را پاک می‌کند تا بیشتر میوه آورد» (آیه‌های ۱-۲).

در واقع خداوند همان باغبان است و با محبت و ممارست دقیق، شاخه‌ها را مراقبت می‌نماید. او خرد و محبت کامل را در رفتارش با شاخه‌ها با هم بکار می‌گیرد و می‌داند آنها چگونه می‌توانند ثمرات بیشتری را به بار آورند. شاخه‌های بی‌ثمر کنار گذاشته می‌شود و آنچه ثمر آورده است پاک می‌شود تا ثمرات بیشتری را به وجود آورد. او هر آنچه را که مانع شباهت یافتن ما به مسیح و ثمر آوردن بیشتر در ما می‌شود را از زندگی ما دور می‌سازد. او از چاقوی شاخه‌زنی خود

برای بریدن موارد زائد در زندگی ما، استفاده می‌کند بنابراین می‌تواند در ما ثمرات بیشتر و بهتری بوجود آورد. او ما را تصفیه می‌کند و ما را در برابر آتش درد و شکنجه قرار می‌دهد تا ناپاکی ما از بین برود و «تا شریک قدوسیت او گردیم». این فرآیند ممکن است دردناک و شدید باشد، «اما در آخر میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته اند بار می‌آورد» (عبرانیان ۱۲: ۱۰-۱۱).

هنگامیکه مشکلات پیش می‌آیند مانند بیماری و رنج یا فشار محیط و یا عزاداری، باید اطمینان داشته باشیم که این وقایع به مثابه مراقبت محبت آمیز خداوند از ما بعنوان شاخه‌های پرثمر است و این فرآیند پاکسازی او است تا ما را هرچه بیشتر برای خود مسمر ثمر سازد. گاهی اوقات بمانند وضعی است که در غزل غزل‌های سلیمان ۴: ۱۶ بیان شده است: «ای باد شمال، برخیز و ای باد جنوب، بیا. بر باغ من بوز تا عطرهایش منتشر شود». بادهای سرد شمالی، بادهای بدبختی و بادهای جنوب مملو از خوشی و محبت برای وزیدن بر باغ خداوند ترکیب می‌شوند بنابراین عطر خوش ثمرات برای او منتشر می‌شود. سپس جملات خوش آیند را دنبال می‌کنیم، «محبوب من به باغ خود بیاید و میوه نفیسه خود را بخورد»، و «نزد درهای ما هر قسم میوه نفیسه تازه و کهنه هست که آنها را برای تو ای محبوب من جمع کرده ام» (غزل غزلها ۴: ۱۶ / ۷: ۱۳).

باشد که در فیض خداوند، بتوانیم با خوشی بسیار این جملات متبارک را خطاب به نجات دهنده محبوب و پدر با محبت مان، اعلام نماییم. پدری که به انتظار ثمر آوردن ما است. باشد که درباره این اصول مهم حیات مسیحی یعنی ثمر آوردن بیشتر تعمق کنیم. و باشد که بیشتر درک کنیم؛ چطور می‌توان برای جلال خداوند مان ثمر آوریم.

## فصل هفتم خدمت نمودن خداوند

هنگامیکه مسیح شمعون و اندریاس را صدا زد؛ گفت: «از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم» (مرقس ۱: ۱۷). می بینیم که مسیح آنان را خوانده بود تا برای او کار کنند و روح مردم را صید نمایند. خدمت خداوند یعنی صیدجانها و این شغل آنان شده بود.

قبل از آنکه مسیح مصلوب شود به شاگردانش چنین گفت: «مثل کسی که عازم سفر شده، خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند» (مرقس ۱۳: ۳۴). با این جملات مسیح این منظور را داشت که او به آسمان بازخواهد گشت و علائق و خواسته های خود را در این دنیا به دست خاصان خود خواهد سپرد که انتظار دارد خادمان او باشند تا هرکدام وظیفه خاص خود را تا زمان بازگشت او برای ارباب خود انجام دهند.

پس از آنکه مسیح از میان مردگان برخاست به شاگردان گفت: «چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم» (یوحنا ۲۰: ۲۱)، و «در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید» (مرقس ۱۶: ۱۵). او در این جهان بعنوان خادم پرکار خداوند بود و از صبح زود تا شب برای یاری نیازمندان می شتافت. خداوند او را فرستاده بود «نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را فدای بسیاری کند» (مرقس ۱۰: ۴۵). و همانگونه که پدر او را به جهان فرستاد، او نیز خاصان خود را برای خدمت او و کمک به اشخاص محتاج به جهان فرستاده است.

از پیغام اناجیل سریعاً می‌توانیم درک کنیم که خدمت خداوند یکی از ضروریات مهم زندگی مسیحی است. و هر ایمانداری برای این منظور خوانده شده است. زندگی برای خداوند و خدمت نمودن او باید مهمترین شغل و حرفه فرد مسیحی باشد. ما تنها برای ملکوت و آرامش در این جهان نجات نیافته ایم. خداوند ما را نجات داده و در این جهان قرار داده تا برای او کار کنیم و شاهدان نور و سفیران او باشیم و اعلام کنیم که او برای نجات جهانیان مصلوب شده است.

نجات دهنده ما می‌خواهد که در این دنیای گمشده، دستها، پایها، قلبها و لبهای او باشیم. او خواهان آن است که پیغامش را در خود داشته باشیم و همانگونه که وقتی وی بر زمین بود این کار را به انجام می‌رساند؛ ماموریت او را به انجام برسانیم. او محبت خود را از میان قلبهای ما به انسان رنج دیده جاری می‌سازد و با مردان و زنان و بچه‌ها بوسیله زندگیها و لبهای ما سخن می‌گوید. چه امتیاز بزرگی است این ارتباط! به فرشتگان نیز چنین امتیازی داده نشده است. باید چنین امتیازی را غنیمت شمرده و خدایی را خدمت کنیم که ما را با خون پریهای خود خریده است. ما اینرا تشخیص می‌دهیم بنابراین دیگر به خود تعلق نداریم بلکه خوانده شده ایم تا با بدنهای خود خداوند را تمجید نماییم (اول قرنیتان ۶: ۲۰).

در رابطه با تغییر انسانها در تسالونیکیان چنین نوشته شده است که آنها از بتها به سمت خدمت خدای زنده و حقیقی بازگردانده شده‌اند و به انتظار بازگشت پسر او از ملکوت می‌باشند (تسالونیکیان ۱: ۹ - ۱۰). یکی از سه رکن عمده‌ای که آنان را مشخص می‌کند «انجام کار برای خشنودی خداوند» و خدمت خدای زنده و حقیقی بود که آنان از سوی بتها به سمت خود بازگردانده بود. این ممکن است توصیف ما نیز باشد که از سوی بتها به سوی خداوند بازگشته ایم. این مطلب می‌تواند برای هر کدام از خوانندگان مصداق داشته باشد.



### من باید چه کنم؟

گاهی اوقات ایمانداران این سوال را می‌کنند که «من چکار می‌توانم برای خداوند انجام دهم؟» و اضافه می‌کنند که توانایی، زمان و یا پول برای خدمت خداوند ندارند. در جستجوی راهی برای کمک در این مورد، ابتدا باید بگوییم که خوب است تا برای خداوند آماده باشیم و سوال کنیم که چه خدمتی می‌توانیم برای او انجام دهیم. هنگامیکه پولس طرسوسی در راه دمشق توسط خداوند از راه خود بازداشته شد با مسیح که وی بر او جفا می‌کرد رودرو مواجه شد، در آن هنگام گفت: «خداوندا، چه می‌خواهی تا انجام دهم؟» (اعمال ۹: ۶). این سوال خوبی است هر ایمانداری باید آنرا از خداوند سوال نماید. مسیح سوال پولس را مستقیماً با دستوراتی صریح پاسخ می‌دهد که منجر به رستگاری وی، نجات او در عیسی مسیح و آگاهی او نسبت به خدمت برای خداوند می‌شود. سپس می‌خوانیم که «وبی درنگ در کنایس، به عیسی موعظه نمود که او پسر خداست» (اعمال ۹: ۲۰). در آن لحظه او مشغول خدمت خداوند بود و برای او شهادت می‌داد.

مطالعه کولسیان ۳: ۲۳ - ۲۴ می‌تواند برای خادمان جدید بمنظور دانستن اینکه هر شخص چه کاری می‌تواند برای خداوند انجام دهد مفید باشد: «و آنچه کنید، از دل کنید بنخاطر خداوند... چونکه مسیح خداوند را بندگی می‌کنید». بنابراین می‌آموزیم که می‌توانیم هر روزه با کارهای ساده برای خداوند کار خودمان را انجام دهیم و او را خدمت نماییم. و آنچه که به ما برای انجام دادن سپرده شده است با اشتیاق زیاد برای خداوند و جلال او انجام دهیم. «هر چه از دستت به جهت عمل نمودن بیاید، همان را با توانایی خود به عمل آور» (جامعه ۹: ۱۰). این کلام مفید و تشویق کننده دیگری برای راهنمایی ما در ارتباط با خدمت خداوند است. مسیح در باره مریم گفت «آنچه در

قوه او بود کرد» (مرقس ۱۴: ۸). این تمام آن چیزی است که او از هر کدام از ما انتظار دارد. اگر ما دارای قلبی هستیم که خواهان خدمت خداوند و انجام آنچه که معین می‌کند است حتی اگر کوچک و پیش پا افتاده باشد، بزودی در می‌یابیم آنچه را که می‌توانیم و باید برای او انجام دهیم.

هنگامیکه موسی در رابطه با آنچه خدا به وی گفته بود و او انجام نداده بود عذرخواهی می‌کرد، خداوند به وی گفت: «آن چیست در دست تو؟» (خروج ۴: ۲). آن عصایی در دستان او بود و خداوند از آن با نیروی عظیمش استفاده کرد. بنابراین خداوند آنچه را که داریم بکار می‌گیرد، هرچند اگر کوچک باشد ولی باید آنرا به دستان او بسپاریم و او آنرا برکت داده و بیش از آن چیزی که ما برای او بکار بردیم به ما عطا می‌کند.

چیزهای بسیار متنوعی وجود دارند که می‌توان از آنها برای خدمت به خداوند در هر جایی استفاده کرد. برای هر ایمانداری چیزی برای خدمت به خداوند وجود دارد، چیزیکه هر ایمانداری بعنوان بخشی متمایز از بدن مسیح کاملاً با آن متناسب است.

با او در مشارکت باشید و او آنچه را که باید و می‌توانید انجام دهید را به شما نشان می‌دهد و شما را برای انجام آن نیرو می‌بخشد و شما را برای برکت جانهای گرانها و جلال خود بکار می‌گیرد.

پدر امروز من کجا باید خدمت نمایم؟  
تا محبت من بگرمی و آزادانه جریان یابد  
سپس او نقطه کوچکی را به من نشان می‌دهد  
و می‌گوید، آنرا برای من انجام ده

من بیدرنگ پاسخ می‌دهم، آه نه آنرا نه.  
چون هرگز کسی به آن نمی‌نگرد  
مهم نیست که کار من چقدر خوب انجام شود  
اما سهم و موقعیت من اینقدر نازل و اندک نباشد  
سخنان او به من، چندان سخت و سهمگین نبود  
او با ندایی دلسوزانه به من پاسخ داد  
آه ای فرزند کوچک، قلب خود را جستجو نما  
آیا تو برای من کار می‌کنی یا برای دیگران؟

مهمترین چیز در خدمت خداوند آن چیزی نیست که انجام می‌دهم بلکه خدایی است که ما برای او کار می‌کنیم خدمت ما نه برای چشمان انسانها و خودستایی بلکه برای چشمان او می‌باشد.

### پاداش

تشویق و دلگرمی ما در مشکلات و غمها با خدمت کردن ما به خداوند ارتباط مستقیم دارد. او وعده داده است؛ که برای تمام آنچه انجام می‌دهیم به ما پاداش خواهد داد. حتی اگر کاسه ای آب به نام او بنوشانیم به ما وعده پاداش داده است (مرقس ۹: ۴۱) و تاجهای بسیاری را برای آنها می‌دهد که او را در اینجا خدمت می‌کنند قرار داده است (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ / دوم تیموتاوس ۴: ۷-۸ / اول پطرس ۵: ۴ / مکاشفه ۲۲: ۱۰).

یکی از آخرین وعده های خداوند این است «و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را به حسب اعمالش جزا دهم» (مکاشفه ۲۲: ۱۲). او می‌خواهد در ملکوتش، با خادم امین خود، ارتباط داشته باشد. می‌توانیم این مطلب را از متی ۲۵: ۲۱ درک کنیم «آقای او

به وی چنین گفت: آفرین ای غلام نیک متدین، بر چیزهای اندک امین بودی، تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. به شادی خداوند خود داخل شو». باشد در مدت اندکی که به آمدن خداوند مانده، به امانت و شادمانی در خدمت به خدای که لایق اکرام است مشغول بوده و این رُکن مهم و حیاتی زندگی مسیحی در ما نمود پیدا کند.

## فصل هشتم

### در جستجوی امید متبارک

امید متبارک مسیحیان در بسیاری از صفحات عهد جدید بیان شده است. در تیطس ۲: ۱۳ به ما گفته شده «و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار میکشیم که خود را در راه ما فدا ساخت». طبق اول تیموتاوس ۱: ۱ خود خداوند ما عیسی مسیح امید ایمانداران است. درست قبل از اینکه مسیح مصلوب شود به شاگردان خود چنین گفت: «در خانه پدر من منزل بسیار است و الا به شما می گفتم می روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می باشم شما نیز باشید» (یوحنا ۱۴: ۲ - ۳). بازگشت دوباره او برای برداشتن آنچه که مال او است یعنی کلیسای حقیقی که عروس او است می باشد، و بردن آن به خانه خداوند همان امید مبارکی است که مسیحیان بدنبال آن هستند. این جستجوی امید مبارک در واقع یکی از ضروریات زندگی مسیحی است و از مشخصاتی است که هر ایماندار حقیقی را

باید متمایز سازد.

مسیحیان در تسالونیکیه با سه چیز شگفت انگیز مشخص می شدند که پولس رسول آنها را در رساله اش، بیان می کند. او می نویسد: «چون اعمال ایمان شما و محنت محبت و صبر امید شما را در خداوند ما عیسی مسیح در حضور خدا و پدر خود یاد می کنیم». و سپس در رابطه با «چگونگی بازگشت از بتها به سوی خدا» صحبت می کند که عمل ایمان آنها بوده است و برای خدمت خدای حی که محنت محبت آنها بوده و انتظار بازگشت پسر او از آسمان که صبر امید آنان می باشد (اول تسالونیکیان ۱: ۳ / ۹ - ۱۰). در اینجا ما سه مورد شگفت آور یعنی ایمان، محبت و امید را مشاهده می نماییم که در اول قرن تیان ۱۳: ۱۳ و سایر متون کلام خدا به هم ربط داده شده اند.

اما در خصوص مورد سوم یعنی امید باید توجه داشته باشیم که امید مسیحیان تسالونیکیه در صبر عملی آنها برای بازگشت عیسی مسیح فرزند خداوند از ملکوت، نمود پیدا می کند. موضوع بازگشت دوباره عیسی مسیح موضوع مهم و برجسته هر دو رساله پولس به جماعت تسالونیکیان می باشد. در تمامی فصول هر دو رساله این مورد بحث شده است و نشان داده شده است که این امید مبارک و حقیقی چه جای والایی در قلب پولس رسول دارد و این مقام والا باید در قلب تمامی مسیحیان وجود داشته باشد.

### بازگشت دوباره و به همراه مقدسان او

مطالعه دقیق صفحات گوناگونی که به بازگشت دوباره مسیح پرداخته اند؛ این مورد را آشکار می سازد که بازگشت او شامل دو بخش می شود. در ابتدا او برای عروس خود، کلیسای حقیقی یعنی ایماندارانی که با خون او پاک شده اند بر زمین می آید و آنان را به خانه پدر خود می برد. سپس او با تمام مقدسان خود به زمین باز

می‌گردد و سلطنت شاهان شاهانه خود را تشکیل می‌دهد. انجیل یوحنا ۱۴ در رابطه با سخنان قاطع مسیح در مورد هدف بازگشت مسیح و گرفتن آنچه که مال او است و با او در مکان مهیا شده خانه پدر قرار خواهند داشت صحبت می‌کند.

اول تسالونیکیان ۴: ۱۴ - ۱۷ نیز بطور واضح بازگشت خداوند برای مقدسان را بعنوان رویدادی جدا از بازگشت او برای تشکیل حکومت الهی بر روی زمین بیان می‌کند. «زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها رבוده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود». در اینجا ما فقط در مورد مردگان در مسیح می‌خوانیم که برخاسته خواهند شد و آنانی که با ایمان به مرگ مسیح و قیام او از مردگان هنوز زنده میباشند، ایمانداران برخاسته شده برای دیدار خداوند در ملکوت و بودن با او تا ابد قیام خواهند کرد. این بازگشت مسیح برای مقدسان خود (ایمانداران عهد قدیم و جدید) در کلام خدا به مانند دامادی که برای عروسش باز می‌گردد؛ مطرح می‌شود. متی ۲۵: ۱ - ۱۰ نیز این جنبه بازگشت مسیح را برای باکره های دانایی که آماده او هستند و بیرون می‌روند تا او را ببینند مورد بحث قرار می‌دهد.

ظهور مسیح و یا آشکار شدن او به مانند فرزند انسان با قدرت و جلال عظیم، بازگشت او با مقدسانش بر روی زمین برای داوری بطور واضح در آیه های مقابل و سایر آیه ها بیان شده است. متی ۲۴: ۳۰ / ۲۵: ۳۱ - ۳۱ / ۶۶ / اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ / ۵: ۲ - ۳ / دوم تسالونیکیان ۱: ۷ - ۱۰ / ۲: ۸ / اول تیموتاوس ۶: ۱۴ - ۱۵ / مکاشفه ۱: ۷ / ۱۹: ۱۱ - ۲۱. ترکیب این آیه ها با مطالبی که ما در بالا بعنوان استناد بر بازگشت مسیح به جهت مقدسانش عنوان نمودیم،

و ارائه آنها بصورت یک رویدادی مشابه با وجود تفاوت‌های آشکار، سردرگمی بسیاری را موجب می‌شود. زمانی مسیح به یکی از فقها چنین گفت «در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟» (لوقا ۱۰: ۲۶).

کتاب مقدس بمانند آنچه که بعضی‌ها امروزه تعلیم می‌دهند و بر روی آن مجادله می‌نمایند، تنها بازگشت مسیح را در پایان دوره درد و رنج تعلیم نمی‌دهد. ما متقاعد شده ایم که اناجیل بازگشت مسیح را برای کلیسایش قبل از دوره درد و رنج تعلیم می‌دهند که از باب ۶ مکاشفه آغاز می‌شود، در ابتدا وجد روحانی مقدسان و سپس بازگشت او بر روی زمین با قدرت و جلال عظیم با مقدسانش در پایان دوره رنج عظیم همانگونه که در باب ۱۹ مکاشفه می‌بینیم بیان شده است.

### ظاهر شدن عروس

همانگونه که بیان نمودیم مسیح همچون دامادی برای عروس خود یعنی کلیسای حقیقی باز می‌گردد. اجازه دهید تا این رابطه عروس و دامادی را کمی تفسیر نماییم و ببینیم چگونه آن به موضوع ما یعنی بازگشت مسیح بعنوان یک ضرورت زندگی مسیحی تاکید می‌کند. در ابتدا باید بیان کنیم که افسسیان ۵: ۲۳ - ۳۲ بطور واضح رابطه مسیح و کلیسایش را بیشتر به مانند رابطه عروس و داماد، بیان می‌کند. در مکاشفه ۱۹: ۷ - ۹ در مورد نکاح بره در ملکوت و در باب ۲۱ توصیفی از عروس به عنوان همسر بره را می‌بینیم؛ «چون عروسی که برای همسر خود آراسته است». بنابراین مهترین رابطه زمینی برای رابطه و وابستگی موجود میان قلب مسیح و مسیحیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در غزل غزل‌های سلیمان بطور واضح به این مورد برخورد می‌کنیم.

پولس رسول به قرن‌تیان می‌نویسد: «زیرا که من بر شما غیور هستم به غیرت الهی؛ زیرا که شما را به یک شوهر نامزد ساختم تا باکره

ای عفیفه به مسیح سپارم» (دوم قرن تیان ۱۱: ۲). بنابراین هر مسیحی واقعی به مانند نامزد مسیح است و باید برای او به مانند هر دختری که برای معشوقش عشق می‌ورزد، اشتیاق و محبت عروس را داشته باشد. قلب معشوق با ارتباطات ساده و اندک و یا با ملاقاتهایی کم خشنود نمی‌شود بلکه با نگاهی مشتاقانه به سوی روز اتحاد و ازدواج، زمانیکه باید مال او شود و تا آخر عمر با او باشد راضی می‌شود. اگر این عشق در کره خاکی ما صحیح باشد پس چقدر بیشتر می‌تواند در ما که عشق الهی و آسمانی بزرگترین عاشق یعنی خداوند عیسی مسیح را قبول کرده ایم مصداق داشته باشد.

ذات الهی در ایماندار، او را مشتاق به خداوندش می‌نماید و مشتاقانه برای بازگشت او که وعده داده شده و برای بردنش در جلال او تا به ابد، صبر می‌نماید. «روح و عروس می‌گویند بیا»، و پاسخ به وعده خداوند «بلی، به زودی می‌آیم» باید چنین باشد «بیا ای خداوند عیسی» (مکاشفه ۲۲: ۱۷ - ۲۰).

### انتظار و آمادگی

در لوقا ۱۲: ۳۵ - ۳۷ ما با سخنان خداوندی روبرو می‌شویم که می‌خواهد قلبی داشته باشیم تا منتظر بازگشت او باشد. «کمر های خود را بسته و چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشبحال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد». او ما را با کمرهایی بسته و آماده برای خدمت به او و چراغهایی روشن برای شهادت دادن به او و قلبهایی با انتظاری صادقانه و آماده برای بازگشت او، می‌خواهد ببیند. یافتن قلبهایی که در جستجوی او هستند و مشتاقانه بدنبال او و بازگشت دوباره او هستند وی را خشنود می‌سازد. هنگامیکه ما با اشتیاق منتظر آمدن داماد هستیم برای



وی کار می‌کنیم و به اسم او شهادت می‌دهیم. هر دو کار با هم انجام می‌شوند. «خوشابحال آن غلام که آقایش چون آید، او را در چنین کار مشغول یابد» (لوقا ۱۲: ۴۳).

باشد که ما به این ضرورت زندگی مسیحی «آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشیم» و همچنین سایر ضروریات ایمان مسیحی که در طول این درسها به آنها پرداختیم شناخته و تمیز داده شویم.

پایان





